



آموزش و ترویج

رهیافت مهیاسازی ترویج کشاورزی برای توسعه انسانی در قرن بیست و یکم

● دکتر منصور شاهولی

استادیار بخش ترویج و آموزش دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

● مهندس نوذر منفرد

دانشجوی دوره دکتری بخش ترویج و آموزش دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

● مقدمه

در الگوی توسعه انسانی پایدار، حیات انسانی فی نفسه واجد ارزش و اهمیت است. در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) آمده است: توسعه انسانی پایدار باید همه افراد را قادر سازد تا تواناییهای خود را تا حد ممکن گسترش دهند؛ به طوری که بتوانند به بهترین وجه آنها را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به کار گیرند. گرایش به توسعه انسانی پایدار، موضوع جدیدی نیست ولی طرح مجدد آن بیشتر به معنای بازیابی میراثی دیرینه است نه بوجود آوردن یک سرگرمی نوین (۱).

با آغاز قرن بیست و یکم، سردرگمی در راه دستیابی به توسعه در میان کشورها کاملاً مشهود است. بررسی برنامه‌ریزیها برای توسعه در ۵۵ کشور در حال توسعه نشان می‌دهد که میزان شکست این نوع برنامه‌ها پس از جنگ جهانی دوم، بسیار بیشتر از میزان موفقیت آنها بوده است و مضطرب کننده‌تر آنکه، کشورهای مذکور با ادامه چنین برنامه‌هایی بدتر نیز شده‌اند. (۲).

انتقاد از مفهوم رایج توسعه به دلیل واقعیتهای نامطلوب اقتصادی و اجتماعی در کشورهای جهان سوم، باعث گردید تا برداشتهای متفاوت و تعاریف مجددی از توسعه به عمل آید به طوری که در اهداف و چگونگی اجرای آن تفکر و جهتگیری‌های جدیدی به وجود آید، به گونه‌ای که توسعه در چارچوب افزایش درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی محدود نشود، وافق وسیعتر و

● چکیده

از جمله راههای دستیابی به توسعه همه جانبه، همانا توسعه انسانی در جامعه است به طوری که قابلیتها و تواناییهای افراد به گونه‌ای رشد یابند تا زندگی آنان از خلاقیت و رضایت سرشار شود. چنین مفهومی، انسان را مرکز برنامه‌های توسعه قرار می‌دهد. بحث اصلی در این مقاله پاسخگویی به این پرسش است که آیا ترویج به کمک رهیافتهای رایج خود می‌تواند به توسعه انسانی مورد نظر مکاتب فلسفی و آراء دست یابد؟ اگر پاسخ منفی است، چه اقدامی باید به عمل آورد؟

بررسی رهیافتهای هشتگانه رایج ترویج در قسمت اول مقاله حاضر مشخص کرد که انتظارات توسعه انسانی مورد نظر مکاتب فلسفی در رهیافتهای رایج، ملاحظه نمی‌شود و ترویج از طریق آموزشهای خود به انتظارات مورد نظر توسعه انسانی و پرورش آنها در افراد نمی‌پردازد و اصولاً به چنین انتظاراتی اشراف نداشته و راهکارهای تحقق آنها در تشکیلات ستادی و میدانی سازمانهای ترویجی نیز وجود ندارد. همچنین ملزومات چنین راهکارهایی در دسترس ترویج نبوده است، لذا تعمق همه جانبه برای رفع معضلات پیش روی رهیافتهای ترویج ضروری می‌باشد. رهیافت مهیاسازی ترویج می‌تواند به عنوان یک رهیافت برای رفع معضلات رهیافتهای ترویج و در راستای تحقق معیارهای مورد نظر مکاتب و آراء فلسفی برای توسعه انسانی به کار گرفته شود. رهیافت مهیاسازی ترویج همانا آماده سازی سازمانهای ترویجی برای تجدید نظر در روشهای موجود به منظور دسترسی به توسعه انسانی مورد نظر مکاتب و آراء فلسفی است. در این مقاله نحوه به کارگیری رهیافت مهیاسازی برای تحقق توسعه انسانی مورد نظر مکاتب و آراء فلسفی نظیر رئالیسم، پراگماتیسم، ناتورالیسم، فارابی، کنفوسیوس و زرتشت بحث شده است. درباره دو مکتب ناتورالیسم، فارابی، برای توسعه انسانی با به کارگیری این رهیافت بیشتر توضیح داده شده است.

درک گسترده‌تری از آن مد نظر قرار گیرد، که نه تنها همه افراد جامعه را فراگیرد و همگان از مزایای آن بهره‌مند شوند بلکه جنبه‌های مادی و معنوی زندگی را نیز شامل شود. لذا، تعالی و کمال انسان (توسعه انسانی) در تعاریف و مفاهیم توسعه مورد توجه قرار گرفت (۳).

همچنین، دستیابی به توسعه انسانی در جامعه عبارت از این است که قابلیت‌ها و تواناییهای افراد به گونه‌ای رشد یابند تا زندگی آنان از خلاقیت و رضایت سرشار شود. چنین مفهومی از توسعه انسانی، انسان را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد و نه در حاشیه آن (۴) و توسعه‌ای انسان محور است (۵). توسعه نیروی انسانی دارای ویژگیهایی است که باعث ارتقای هر چه بیشتر اهمیت انسان می‌شود و آن را در سطوح جهانی، ملی، سازمانی و فردی مطرح می‌نماید. چنین مفهومی از توسعه انسانی زمانی قابل حصول است که با دیدگاه‌های جدید منطبق باشد. برای این منظور نظام‌های ارزشی، می‌توانند اصولی را برای رشد منابع انسانی ارائه دهند که موجب ایجاد تعهد در تمامی افراد گردند. توسعه انسانی نمی‌تواند اجباری باشد بلکه باید از نیازها و نظام‌های ارزشی مردم پدیدار گردد (۶).

از آنجا که فلسفه، اصول و اهداف ترویج در هر دوره زمانی، از تعاریف و مفاهیم توسعه الهام می‌گیرد، آیا ترویج می‌تواند به کمک رهیافتهای رایج به این مهم دست یابد؟

هدف این مقاله آن است تا با بررسی رهیافتهای رایج ترویج به این پرسش پاسخ دهد. این کار به روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

رهیافتهای ترویجی

برخی رهیافتهای ترویج کشاورزی به طور متمرکز ولی برخی دیگر به طور محلی هدایت و نظارت می‌گردند. بعضی از رهیافتهای ترویجی راهبرد اساسی انتقال و تحویل تکنولوژی را به خدمت گرفته‌اند؛ در حالی که برخی دیگر، راهبرد عمران روستایی را برگزیده‌اند. به هر حال، هر یک از رهیافتهای ترویجی دارای یک فلسفه خاص در بطن خویش است و به مثابه ضربه زدن بر طبل است که حرکت تمام فعالیتهای ترویج را موزون می‌سازد. یک رهیافت ترویجی شبیه «عقیده مکتبی» یا «Doctrine» ترویج است که آگاه می‌سازد، برمی‌انگیزاند و جنبه‌هایی از نظام ترویج نظیر ساختار، برنامه‌ها، روشها، تکنیکها، منابع و پیوندهای ارتباطی سازمان ترویج را با دیگر سازمانها رهبری می‌کند. هیچگاه «بهترین رهیافت» در ترویج کشاورزی وجود

توسعه انسانی پایدار باید همه افراد را قادر سازد تا تواناییهای خود را تا حد ممکن گسترش دهند؛ به طوری که بتوانند به بهترین وجه آنها را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به کار گیرند.

ندارد که بتوان آن را به‌طور فراگیر به کار برد و لذا رهیافتهای مختلفی برای ترویج کشاورزی وجود دارند. سازمان خواروبار کشاورزی به منظور بالا بردن ثمربخشی کار ترویج در توسعه کشاورزی و روستایی، رهیافتهای ترویجی را به کمک «اداره آموزش و ترویج کشاورزی» و بخش منابع انسانی مؤسسات «اصلاحات ارضی» خود مورد تحلیل قرار داده و نتیجه را در یک مجموعه تحت عنوان «راهنمای رهیافتهای گوناگون ترویج» اعلام نموده است. هدف از تجزیه و تحلیل رهیافتهای ترویج، آن است که هر کشور بتواند برای خود تعیین کند که کدامیک برای آنان، مناسب‌تر می‌باشد. مقایسه هشت رهیافت ترویجی از نظر فرضیه، هدف و معیار سنجش موفقیت، در جدول ۱ آورده شده است (۷). همانگونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود هدف رهیافتهای کم و بیش، ایجاد و ترغیب افزایش مطلوب تولیدات کشاورزی بوده است که برای دستیابی به آن، فعالیتهای ترویجی عموماً انتقال فن آوری از طریق «اشاعه» بوده است. از طرف دیگر، در مواردی هم که برنامه‌های ترویجی هدفهای والاتری داشته‌اند، با سوگیری‌های سنی، جنسی و



یا منطبق‌ای مواجه و به وجود تبعیض‌ها دامن زده‌اند و هرگز بر آوردن انتظاراتی نظیر ایجاد «شناخت»، «تقویت شناخت هنگام انتخاب و تصمیم‌گیری» و یا «شناخت طبیعت و مدارا کردن با آن» تأکید نداشته‌اند (۸)، یا انتظاراتی نظیر توسعه انسانی در اهداف رهیافتهای ترویجی مذکور مشاهده نمی‌شود لذا، به خصوصیات مورد نظر توسعه انسانی و پرورش آنها در افراد جامعه نپرداخته‌اند. اصولاً ترویج به لزوم چنین خصوصیاتی اشراف نداشته و راهکارهای تحقق آنها در تشکیلات ستادی و میدانی سازمانهای ترویجی وجود نداشته و ملزومات تحقق چنین راهکارهایی نیز در دسترس ترویج نمی‌باشد (۹). بنابراین، ایجاد لزوم بازنگری رهیافتهای ترویج و تعمق همه‌جانبه در آنها شدیداً احساس می‌شود (۱۰).

مقایسه توسعه انسانی در مکاتب فلسفی و رهیافتهای ترویجی

نظرات مکاتب فلسفی پیرامون توسعه انسانی و انتظاراتی که از آموزش برای تحقق آن دارند در جدول شماره ۲ خلاصه شده‌اند (۱۱).

همانطور که جدول ۲ نشان می‌دهد، هر یک از آراء مکاتب فلسفی در این جدول سعی دارند تا توسعه انسانی را از طریق آموزش و آموختن و با شیوه‌ای خاص تحقق بخشند. برای مثال، اسلام انتظار دارد تا با یویا کردن آموختن، توسعه انسانی را به سوی مقصدی خاص که خداوند است سوق دهد. رواقیون این کار را از طریق کسب شناخت طبیعت توسط افراد، عملی می‌دانند؛ یعنی آموزشها باید به افراد کمک کنند تا همراه با کسب آگاهی هر چه

جدول ۱: مقایسه رهیافتهای ترویج از نظر فرضیه، و معیار سنجش موفقیت (آکسین، ۱۳۷۰)

رهیافت	فرضیه	هدف	معیار سنجش موفقیت
۱- عمومی (متعارف) ترویج کشاورزی	اطلاعات و تکنولوژی لازم وجود دارند ولی برای استفاده در دسترس کشاورزان قرار نگرفته‌اند.	کمک به کشاورزان برای افزایش تولیدات آنان	رشد تولیدات (مورد تأکید برنامه ملی)
۲- تخصصی کالا	راه افزایش بهره‌وری تولید یک محصول خاص، تجمع تمام وظایف مرتبط با آن محصول یا کالا تحت یک مدیریت است که شامل ترویج توأم با تحقیقات و نیز تأمین نهاده‌ها و بازاریابی محصول می‌شود.	افزایش تولید یک محصول خاص	تولید کردن یک میزان خاص محصول
۳- آموزش و دیدار	کارکنان صحرایی ترویج از آموزشهای کافی برخوردار نمی‌باشند و از لحاظ معلومات «به-روز» نیستند و تمایلی نیز به دیدار کشاورزان ندارند؛ بلکه در عوض در دفاتر کار خود به خدمت می‌پردازند.	ترغیب و وادار کردن کشاورزان به افزایش تولید محصولات	افزایش عملکرد و کل تولید محصولات مورد تأکید
۴- مشارکتی	کشاورزان در ارتباط با تولید مواد غذایی از زمینهای خود بسیار آگاه هستند، ولیکن با فراگیری بیشتر پیرامون آنچه در دنیای خارج از روستای آنان می‌گذرد، می‌توانند سطح زندگی و بهره‌وری خود را بهبود بخشند.	افزایش تولید و مصرف و ارتقاء کیفیت زندگی مردم روستا	افزایش سطح کیفی زندگی افراد
۵- پروژه‌ای	بروکراسی گسترده دولتی که بر بعضی از رهیافتهای ترویجی حاکم است، احتمالاً بر تولیدات کشاورزی و بر مردم روستا تأثیر مثبت قابل ملاحظه‌ای نمی‌گذارد.	نمایش کارهایی که ظرف چند سال و یا در یک دوره کوتاه مدت می‌توان در منطقه محدود پروژه به انجام رساند.	تحولات کوتاه مدت در منطقه پروژه
۶- توسعه نظامهای زراعی	تکنولوژی متناسب با نیازهای کشاورزان، بویژه کشاورزان کوچک، در دسترس نیست و لازم است که در محل، بوجود آید.	تجهیز کارکنان ترویج (و از طریق آنان مردم روستایی) به نتایج حاصل از تحقیقات کشاورزی به منظور تأمین نیازمندیها و علائق مردم تحت شرایط نظامهای زراعی موجود در محل.	گسترش میزان و دامنه‌ای که تکنولوژی‌های ایجاد شده توسط مردم روستایی پذیرفته شده و به مرور به کار گرفته شده‌اند.
۷- تسهیم هزینه	اگر بهره‌گیران هر برنامه آموزش غیررسمی، در تأمین بخشی از هزینه‌های آن سهیم شوند، احتمال دستیابی به اهداف برنامه بیشتر خواهد شد.	کمک به کشاورزان برای فراگیری آموزش مورد نیاز به منظور دانستن چگونگی «خود-بهبودی» و افزایش بهره‌وری.	تمایل و توان کشاورزان، به طور انفرادی و یا از طریق واحدهای دولت محلی در تأمین بخشی از هزینه‌ها.
۸- نهاد آموزشی	مدارس و دانشکده‌های کشاورزی دارای معلومات فنی مناسب و مفید برای کشاورزان هستند.	کمک به مردم روستایی برای فراگیری کشاورزان علمی و کمک به معلمان و دانشجویان برای فراگیری عملیات کشاورزی درمحل مربوطه	رشد تعداد هرچه بیشتر مخاطبین نهاد آموزشی و میزان مشارکت آنان در فعالیتهای ترویج کشاورزی نهاد آموزشی

سازند، مقایسه نمایم، نتیجه‌ای که در سطور آخر بخش قبلی به آن اشاره شده تأیید می‌شود که رهیافتهای ترویجی موجود، به خصوصیات مورد نظر توسعه انسانی و پرورش آنها، نپرداخته‌اند و لذا بازنگری همه‌جانبه در رهیافتهای شدیداً احساس می‌شود. حال این پرسش مطرح است که چنانچه

خودانگیزگی در افراد منجر شود تا در ابعادی نظیر نیل به کمال، باعث توسعه آنان گردد. در هر حال چنانچه فرضیه‌های رهیافتهای ترویجی را که مستقیماً در ارتباط با مخاطبان آنها (کشاورزان) بیان شده‌اند و انتظار می‌رود این رهیافتهای آنها را محقق کنند، با انتظاراتی که مکاتب فلسفی دارند تا از طریق آموزش برای انسانها محقق

کاملتر از طبیعت، راه و روش زندگی در کنار آن را دریابند و همچنین راه توسعه همه جانبه خود را از راه آشتی با طبیعت پیدا کنند. اگر زیست‌انسیالیستها (نظیر سارتر)، از آموزش انتظار دارند تا از طریق توانمندسازی افراد در امر تصمیم‌گیری، زمینه را برای بروز خویش پیدا کنند. اریک فروم نیز معتقد است که آموزش باید به خودآگاهی و

مکتب و آراء	فلسفه مرتبط با ابعاد وجود انسان	انتظار از آموزش
ایده آلیسم رنالیسم پراگماتیسم ناتورالیسم بودا یوگا بهاکتی افلاطون ارسطو اپیکور رواقیون فارابی تصوف و عرفان کنفوسیوس نیچه مارکس اریک فروم کی یرکه گور یاسپرس سارتر زرتشت اسلام	اولویت دادن به ذهن و معنویات اولویت دادن به واقعیات و محسوسات شکل‌گیری شخصیت از طریق تجربه اولویت دادن به طبیعت توجه به درون و تجربه درونی توجه به درون و رسیدن به آزادی عشق و محبت ورزیدن نیل به سعادت سعادت و خوشبختی بهبود کیفیت زندگی و اشراف بر امور زندگی کردن مطابق با طبیعت رسیدن به کمال عشق ورزیدن اصلاح نظام اجتماعی کسب قدرت و برتری مادی بودن طبیعت انسان نیل به کمال و آزادی هستی دار بودن انسان هستی دار بودن انسان تقدم وجود بر ماهیت انسان انسان آزاد و انتخابگر سیر تکاملی انسان به سوی الی ...	درک معرفت از طریق سؤال و جواب درک معرفت از طریق تجربه کردن آزمون ایده و اندیشه در دنیای واقعی استفاده از طبیعت در فرآیند یادگیری ارائه شناخت صحیح ارائه شناخت ذهنی ارائه شناخت عملی و نظری رشد جسم و تعلیم و تربیت کسب فضایل به وسیله تمرین و ممارست حکیم شدن انسان شناخت طبیعت تعلیم و تربیت ارشاد مردم یادگیری مداوم تربیت فرد توسط مربی ماهر آگاهی به وظایف و کارها خودآگاهی و خودانگیزگی خودشناسی شناخت کلی شناخت به هنگام «انتخاب» به فعلیت رساندن «بندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» پویایی (شدن و حرکت)

رهیافتهای ترویجی موجود، نتوانند به توسعه انسانی مورد نظر مکاتب و آراء فلسفی بپردازند، آیا رهیافت جایگزینی برای این منظور وجود دارد؟

شرایط تدوین رهیافت ترویج برای توسعه انسانی

همانطور که اشاره شد، گرچه سازمان خواروبار کشاورزی (فانو) سعی نمود تا برای ارتقای ثمربخشی ترویج در توسعه کشاورزی و روستایی، رهیافتهای هشتگانه ترویج را تحلیل و ارائه نماید تا هر کشور متناسب با شرایط خود هر یک از آنها را به کار گیرد؛ ولی این سازمان جهانی اعلام می‌دارد که نتایج حاصل از تحلیل رهیافتهای ترویجی موجود، نمی‌تواند تکیه‌گاه فعالیتهای ترویج در آینده باشد. بنابراین ضروری است تا دست‌اندرکاران ترویج از کشاورزی که وضعیتی کاملاً پیچیده است، شناختی دقیق داشته باشند، تا بتوانند رهیافتی مناسب را ارائه نمایند (۱۲). اما رهیافتهای جایگزین ترویج، چگونه می‌توانند در چنین شرایطی برای تحقق توسعه انسانی

با خصوصیات مورد نظر مکاتب فلسفی گام بردارند؟ اعتقاد بر این است که سازمانهای ترویجی در حال تلاش برای تبدیل شدن به سازمانهای آینده‌نگر می‌باشند. این نوع آینده‌نگری، نوعی آینده‌نگری علمی برای جلوگیری و کاستن تردیدها، بی‌ثباتی و عدم قطعیت در کارها به کمک نوعی خاص از فکر کردن و بکارگیری مجموعه‌ای از فنون و تکنیکها می‌باشد (۱۳). لذا چالش پیش‌روی ترویج، همانا مهیاسازی تمامی دست‌اندرکاران برای دنیای نوین، راه‌حلهای جدید و وقوع جریانات نو در جهان است. بنابراین مهیاسازی باید به کمک نگرشهای نوین برای نگرستن به آینده و بنیان نهادن آن انجام گیرد (۱۴). مایکل پاتون در توصیف مهیاسازی چنین می‌گوید: «مهیاسازی بر اساس یافته‌های گذشته نیست، چون آن یافته‌ها چندان تشویق‌کننده نیستند؛ مهیاسازی به معنای پیش‌بینی نیز نیست، بلکه به معنای آماده نمودن خود، برای وقوع وقایع متعدد است (۱۵). مهیاسازی برای آینده به عنوان یک کار علمی عبارت است از: ایجاد داده‌های ممکن و توجه

به بهره‌برداری از آنها و همچنین ترسیم روند وقایع و آماده نمودن خویشتن، برای وقایع ناشناخته است؛ به نحوی که اگر این وقایع اتفاق نیفتد، آمادگی برای هر آنچه را که پیش آید، داشته باشیم (۱۶). نگرشهای نوین ترویج کشاورزی بر مبنای «مهیاسازی برای آینده مستلزم تجدید نظر در به کارگیری روشهای تحقیقاتی، آموزشی و ترویجی جاری کشاورزی، از یک طرف و تجدید نظر در رهیافتهای ترویجی، از طرف دیگر می‌باشد. به عبارت دیگر، هم متدولوژی که در تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی به کار گرفته می‌شوند، باید مورد تجدید نظر قرار گیرند و هم زمینه کار و فعالیتهای مورد بازنگری قرار گیرند تا زمینه‌هایی که دست‌اندرکاران ترویج کشاورزی را برای آینده نامعلوم و پیچیده کشاورزی آماده می‌سازد، فراهم آیند (۱۷).

با توجه به نگرش مهیاسازی می‌توان از آن برای تعریف رهیافت آینده ترویج استفاده کرد، به نحوی که بتوان به کمک این نگرش، توسعه انسانی را با

سازمان خواروبار کشاورزی (فائو) سعی نمود تا برای ارتقای ثمربخشی ترویج در توسعه کشاورزی و روسای، رهیافتی هشتگانه ترویج را تحلیل و ارائه نماید تا هر کشور متناسب با شرایط خود هر یک از آنها را به کار گیرد

خصوصیات مورد نظر مکاتب فلسفی فراهم نمود. این موضوع در بخش بعدی مقاله بحث شده است.

رهیافت مهیاسازی ترویج برای توسعه انسانی

همانطور که در صفحات قبل اشاره شد، هیچگاه نمی توان ادعا نمود که یک رهیافت ترویجی خاص، بهترین و کاملترین می باشد. هر یک از رهیافتهای هشتگانه ترویج به رغم محسنات خود، دارای نارسایی، بخصوص در تعریف و تأمین توسعه انسانی مورد نظر مکاتب فلسفی هستند، بنابراین رهیافت مهیاسازی می تواند به عنوان یک رهیافت مکمل، برای تحقق معیارهای مورد نظر مکاتب فلسفی به منظور توسعه انسانی به کار رود.

بر این اساس می توان رهیافت مهیاسازی ترویج را توسعه انسانی به شرح زیر تعریف نمود:

«مهیاسازی همانا آماده سازی سازمانهای ترویجی برای تجدیدنظر در راه حلها و روشهای موجود و به کارگیری روشهای جدید برای دسترسی به توسعه انسانی مورد نظر مکاتب فلسفی است.» به عبارت دیگر رهیافت مهیاسازی رهیافتی برای در نظر گرفتن انسان (روستاییان) به عنوان کانون توجه فعالیتها ترویج و آموزش آنان برای کسب دانش نوین و راههای نوین کسب دانش و روشهای نوین انجام کارها است.

بنابراین رهیافت مهیاسازی با سایر رهیافتهای ترویجی تفاوتهای اساسی دارد از جمله:

- رهیافت مهیاسازی، ساختاری کاملتر را داراست.
- رهیافت مهیاسازی فرآیندگرا است.
- رهیافت مهیاسازی پویا است و می تواند برای منظورهی مختلف به کار رود.
- رهیافت مهیاسازی به انسان به عنوان محور فعالیتها توجه دارد.
- رهیافت مهیاسازی به دنبال اهدافی است که از لحاظ محیط زیست، عدالت اجتماعی، حفظ منابع طبیعی و امثال آن، ناپایداری کمتری به دنبال داشته باشند.
- با توجه به تعریف فوق برای رهیافت مهیاسازی

ترویج به منظور توسعه انسانی، تفاوتهای اساسی این رهیافت را با سایر رهیافتهای ترویجی می توان تبیین کرد. برای این منظور مثالهایی ارائه می شود که در جدول ۳ تعریف شده اند.

همانگونه که در جدول ۳ نشان داده شده است، رهیافت مهیاسازی ترویج برای رسیدن به توسعه انسانی مورد نظر مکاتب فلسفی رنالیسم، پراگماتیسم، ناتورالیسم، فارابی، کنفوسیوس و زرتشت به عنوان نمونه آورده شده است. ساختار رهیافت مهیاسازی ترویج برای رسیدن به توسعه انسانی مورد نظر این مکاتب شامل پیش فرض، هدف، برنامه ریزی، اجرا، منابع مورد نیاز، مخاطبان و معیارهای سنجش موفقیت می باشد. در این مقاله، از بین شش مکتب فلسفی فوق، چگونگی تحقیق توسعه انسانی طبق دو مکتب ناتورالیسم و فارابی به کمک رهیافت مهیاسازی ترویج تشریح می شود.

تشریح چگونگی تحقق توسعه انسانی بر اساس مکاتب ناتورالیسم و فارابی به کمک رهیافت مهیاسازی

۱- مکتب ناتورالیسم

الف) ضرورت به کارگیری مکتب ناتورالیسم
مطالعات اخیر مسائل و مشکلات حادی را در مورد طبیعت، محیط زیست و اقتصاد گزارش می دهند که خود ضرورت توجه بیشتر به بحرانهای بوجود آمده در طبیعت و تدوین برنامه های طولانی مدت را برای رفع آنها نشان می دهند (۱۸). کارشناسان اعتقاد دارند که در حال حاضر ما رابطه مناسب با منابع طبیعی و محیط زیستمان نداریم و وقت آن رسیده است تا تعریف تازه ای از این رابطه ارائه داد (۱۹). بر اساس نظر بانک جهانی کسب یک توسعه مناسب، مداوم و عادلانه مهمترین چالشی است که بشر با آن روبه رو بوده است (۲۰).

کارشناسان اعتقاد دارند که جوامع مختلف پیوسته در حال اتخاذ رهیافتهای کوتاه مدت و متکی بر فن آوری برای حل مشکلات خود می باشند. اما حل چنین مشکلاتی اغلب به همکاری بیشتر بین افراد و سازمانها و اتخاذ رهیافتهای بلندمدت با توجه به محیط زیست نیاز دارد (۲۱). لذا، نیازمندیم تا به جای سطحی نگری، به کسب یک پایداری همه جانبه و عمیق توجه بیشتری شود (۲۲). در این موارد پیش بینی شده است که در قرن ۲۱ کشاورزان و سایر افراد جامعه نسبت به اهمیت محیط زیست، مصرف مواد شیمیایی، اثرات گلخانه ای و حفاظت از زمین درک و آگاهی بیشتری پیدا کنند و به

همین دلیل تقاضا برای دانش جدید در این زمینه و تهیه برنامه هایی برای حفاظت و استفاده بهینه از زمین و کاهش مواد زائد، افزایش پیدا می کند که این خود به خدمات جدید ترویجی و تهیه برنامه های مناسب آموزشی نیاز دارد (۲۳).

ب) ابعاد وجود انسان و انتظار از آموزش وی در مکتب ناتورالیسم

ناتورالیسم به معنای طبیعت گرایی و اصالت دادن طبیعت است. طرفداران این مکتب فلسفی معتقدند که جهان خارجی حقیقت مطلق است و تابع قوانین طبیعی می باشد. بنابراین باید طبیعت را الگو قرار داد و از قوانین طبیعی آن پیروی کرد و از آنچه که مصنوعی و غیرطبیعی است، اجتناب کرد. طرفداران این مکتب معتقدند که علوم طبیعت منبع معرفت و دانش بشری است و علم از طریق مشاهده طبیعت و بوسیله حواس حاصل می شود. همچنین آموزشها باید بر اساس نظامی که در طبیعت وجود دارد افراد را به نحوی تربیت کند که افراد با طبیعت همراه باشند تا زندگی بهتری را کسب کنند (۲۴). هدف آموزش و پرورش در این مکتب عبارت است از فرآیند سازگار یا آماده سازی فرد برای محیطی که در آن زندگی می کند (۲۵) و به نظر طبیعت گرایان، تجربه مهمترین روش تدریس است (۲۶). راه رسیدن به کمال وجودی انسان از دیدگاه ناتورالیسم این است که باید به افراد و مراحل رشد طبیعی آنها احترام گذارد و حتی المقدور در آن دخالت نکنیم و سعی کنیم که هدفهای توسعه انسانی در جهت توسعه و تقویت این رشد طبیعی و نه برخلاف آن باشد (۲۷).

اجزاء رهیافت مهیاسازی ترویج برای اولویت دادن به طبیعت و استفاده از آن در فرآیند یادگیری به شرح زیر می باشد.

ج) پیش فرض مکتب ناتورالیسم

در بیشتر جوامع، در آموزشها دو موضوع اصلی همواره مورد غفلت قرار می گیرند: یکی «طبیعت انسان» و دیگری «طبیعت یا محیط زندگی» اطراف انسان، که توجه به هر دو آنها ضروری می باشد. در اکثر جوامع از طبیعت انسان و همچنین محیط طبیعی وی رابطه بین این دو، شناخت کافی وجود ندارد و یا اینکه کم اهمیت شمرده می شود، لذا باید اهمیت و ارزش طبیعت (طبیعت انسان و محیط زیست) برای افراد شناخته شود تا سهم عمده ای را در حفظ و نگهداری از آن برعهده گیرند. امروزه باید به سه عامل انسان، طبیعت و رابطه این دو توجه زیادی

شود (۲۹ و ۳۰) و در آموزشهای ترویج نیز باید این سه عنصر در دستور کار قرار گیرند و اساس و پایه یادگیری در برنامه‌ریزی آموزشی محسوب شوند.

د) هدف مکتب ناتورالیسم

طبیعت‌گرایان، رفتار انسان را قابل انعطاف می‌دانند و معتقدند که می‌توان رفتار فرد را شکل داد و هدف تربیت را در عمل، سازگاری یا آماده ساختن فرد برای یک زندگی موفق در محیط خلاصه می‌کنند. آنان اضافه می‌کنند که آموزش و پرورش باید فرد را بر اساس سازگاری با اوضاع و شرایط محیط آماده سازد (۳۰). بنابراین، باید امکانات و راه‌حلهایی که می‌تواند ما را در حفظ و نگهداری محیط زیست و چالش با مشکلات موجود در آن یاری نماید شناخت.

ه) برنامه‌ریزی مکتب ناتورالیسم

بر اساس مکتب ناتورالیسم آموزشگر نباید افکار و عقاید خود را به فراگیران تحمیل نمایند یا آنها را برای انجام فعالیتی معین مجبور سازد؛ زیرا یادگیری در صورتی بهتر و مؤثرتر انجام می‌گیرد که یادگیرنده شخصاً فعالیت کند و کشف نماید و تجربه به دست آورد و همچنین طبیعت‌گرایان باید پایه آموزش باشد (۳۱). لذا، فعالیتهای آموزشی ترویج باید بر اساس نیازهای فراگیران که با مشارکت خود آنها تعیین می‌شود تدوین گردد و بر مبنای تجربه و تعامل با محیط، مواجهه با مسائل و حل مشکلات و تجربه‌اندوزی باشند.

و) اجرای مکتب ناتورالیسم

بر مبنای نظریات طبیعت‌گرایان، تجربه کردن، مهمترین روش آموزش است. در برنامه‌های آموزشی باید امکان عملیات فعالانه متوجه محیط شده و موضوعاتی مبنای قرار گیرند که افراد را به تفکر و کشف وادار سازند. بنابراین، روشهای یادگیری تجربی و حل مسئله می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در امر آموزش می‌توان از سازمانهای دست‌اندر کار توسعه پایدار، گروههای حفظ محیط زیست و مراکز تبلیغاتی نیز استفاده کرد.

ز) منابع مورد نیاز مکتب ناتورالیسم

با توجه به اینکه روش یادگیری، یادگیری تجربی است، علاوه بر اینکه وسایل و امکانات مورد نیاز اجرای این روش باید فراهم باشد، در اجرای برنامه آموزشی باید وقت کافی و مناسب برای این امر منظور شود. همچنین وجود آموزشگران کار

آزموده و مجرب الزامی است. بنابراین سازمانهای ترویج علاوه بر تلاش و کوشش برای تأمین امکانات و نهادهای مورد نیاز برای پیاده کردن این نوع یادگیری باید به آموزش و بالا بردن قابلیتها و شایستگیهای مروجین نیز توجه وافر داشته باشند تا آنها نقش راهنما، ناظر و تسهیل‌گر را برعهده گیرند. ضمناً حمایت‌های مادی و معنوی سازمانهای دولتی و غیردولتی و رسانه‌های ارتباط جمعی ضروری می‌باشد.

ح) مخاطبان مکتب ناتورالیسم

مخاطبان آموزش که بر اساس طبیعت‌گرایی باشد، عامه مردم می‌باشند که در رابطه با آموزشهای ترویجی، مخاطبان برنامه‌های آموزشی عامه روستاییان و مسئولین مرتبط با توسعه روستایی می‌باشند.

ط) معیار سنجش موفقیت مکتب ناتورالیسم

میزان موفقیت آموزشی که بر اساس طبیعت‌گرایی باشد با اندازه‌گیری ارتقای آگاهی مردم نسبت به طبیعت، افزایش علاقه به آن و میزان توجه به رابطه بین انسان و طبیعت، افزایش سرمایه‌گذاری در جهت حفظ طبیعت برای کاهش میزان تخریب آن، سنجیده می‌شود.

۲- آراء فارابی

الف) ضرورت بکارگیری آراء فارابی

ترویج یک مکتب آموزشی است که وظیفه آموزش و راهنمایی ارباب رجوع خود را برعهده دارد تا وی از طریق آنها توانا شود، مصلحت خویش را تشخیص دهد، راه صلاح و ثواب را در پیش گیرد و مشکلات خود را به دست خویش و با

مهیاسازی برای آینده به عنوان یک کار علمی عبارت است از: ایجاد داده‌های ممکن و توجه به بهره‌برداری از آنها و همچنین ترسیم روند وقایع و آماده نمودن خویشتن، برای وقایع ناشناخته است؛ به نحوی که اگر این وقایع اتفاق نیفتد، آمادگی برای هر آنچه را که پیش آید، داشته باشیم

کمک یکدیگر حل و فصل نماید (۳۲). اما مهمترین مشکل مرتبط با مفهوم تعلیم و تعلم در آموزشهای ترویجی این است که فرض می‌شود دانش در خارج از فراگیران (کشاورزان) وجود دارد و فرایند تعلیم و تعلم عبارت از جریانی است که این دانش را به مغز فراگیر منتقل می‌کند و یا فراگیر را کمک می‌کند تا آن را به دست آورد. همچنین فرض بر این است که در این علم و دانش انتقالی هیچگونه چون و چرایی نبوده و مناسب بودن آن برای کشاورزان جای بحث ندارد زیرا مشکل گشای تمام مسائل کشاورز است (۳۳)؛ در حالی که نقش ترویج تنها به انتقال تکنولوژی محدود نمی‌گردد بلکه ترویج توسعه دهنده نیروی انسانی نیز می‌باشد به طوری که مردم را قدرت بیخشد تا قادر شوند تقاضاهای مؤثری را برای دریافت خدمات مقتضی و متناسب ترویج مطرح کنند. این عمل ترویج شامل بسیج، سازماندهی، آموزش، مدیریت سیستمی و نوآوریهای تکنیکی نیز می‌گردد (۳۴). البته ترویج کشاورزی معمولاً توجه اولیه خود را به کشاورزان بزرگ و پیشرو معطوف می‌کند (۳۵)، که لازم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
کلاس آموزش و ترویج
کلاس آموزش و ترویج



است در این باره تجدید نظر کرده و همه کشاورزان را تحت پوشش خود قرار دهد.

فعالیت و وظیفه ترویج در راستای انتقال اطلاعات و تکنولوژیهای نوین به ارباب رجوع، و همچنین انتقال مشکلات آنها به مؤسسات تحقیقاتی به منظور پاسخ‌یابی برای آنها می‌باشد. بنابراین کانون توجه فعالیت ترویج، رضایت کشاورزان است، در حال حاضر اغلب کارشناسان برای یک رهیافت ویژه مشارکتی به منظور درگیر نمودن متخصصان، ارباب رجوع و مروجان که با یادگیری متقابل همراه باشد، ارزش قائل شده‌اند (۳۶). در همین راستا مکتب فارابی کمال انسانی را در روابط وی با دیگران و همکاری و همگامی با آنان می‌داند. این مکتب بر این اعتقاد است که انسان دارای استعدادهایی است که می‌تواند او را به سعادت و کمال نهایی برساند. ترویج با بکارگیری رهیافت مهیاسازی می‌تواند توسعه انسانی را بر اساس مکتب فارابی محقق سازد.

ب) ابعاد وجودی انسان و انتظار از آموزش وی در آراء فارابی

فارابی در بررسی طبیعت انسان به دو قوه اساسی توجه دارد: یکی «قوه نظری» و دیگری «قوه عملی». انسان به وسیله قوه نظری، علوم و دانشها را فرا می‌گیرد و به وسیله قوه عملی، آنچه را که باید به کار بندد، درمی‌یابد. از نظر فارابی، تقوی و برتری در علوم و فنون به دو عامل، یعنی تعلیم و تربیت و داشتن استعداد بستگی دارد (۳۷).

تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی عبارت از «هدایت فرد بوسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال در این دنیا و کمال نهایی در آخرت» است (۳۸). فارابی سعادت فردی را مجزا از زندگی مدنی و اجتماعی نمی‌داند و معتقد است که سعادت واقعی زمانی میسر است که فرد در میان جامعه بسر برد. کمال انسانی نیز در رابطه با دیگران و به وسیله همکاری و همگامی با آنان شکوفا می‌شود. فارابی معتقد است که انسان دارای استعدادهایی است که می‌تواند او را به سوی سعادت و کمال نهایی ببرد. برای تحقق این منظور باید استعدادهای انسانی پرورش پیدا کنند. به عبارت دیگر، به صرف اینکه آدمی دارای فطرت کمال‌جویی است نمی‌تواند از تعلیم و تربیت بی‌نیاز باشد، زیرا در این صورت استعدادهای انسانی هرگز شکوفا نخواهد شد (۳۹). اجزاء رهیافت مهیاسازی برای آموزش کشاورزان برای رسیدن به کمال که توسعه انسانی

طبیعت گرایان، رفتار انسان را قابل انعطاف می‌دانند و معتقدند که می‌توان رفتار فرد را شکل داد و هدف تربیت را در عمل، سازگاری یا آماده ساختن فرد برای یک زندگی موفق در محیط خلاصه می‌کنند. آنان اضافه می‌کنند که آموزش و پرورش باید فرد را براساس سازگاری با اوضاع و شرایط محیط آماده سازد

مورد نظر مکتب فارابی است به شرح زیر می‌باشد.

ج) پیش‌فرض آراء فارابی

بر اساس این مکتب، انسان موجودی با آمادگیهای بالقوه فطری است که می‌تواند آنها را به فعلیت رساند ولی این امر جز از طریق ارتباط با اجتماع میسر نیست. همچنین اعتقاد آن بر این است که علاوه بر عقل، عمل و رفتار نیز اهمیت خاصی در شکوفایی و رشد عقلانی بشر دارد.

چهار اصل تعلیم و تربیت در مکتب فارابی عبارتند از: اجتماعی بودن تعلیم و تربیت، رعایت تفاوت‌های فردی، آماده کردن افراد برای حرفه‌ها و تأثیر اجتماع بر آموزش (۴۰).

برای بکارگیری این چهار اصل در آموزشهای ترویجی ضرورت دارد که آموزشهای ترویجی، به انسان که طبیعتاً اجتماعی است توجه داشته باشد و اساس کار فرد را همکاری گروهی افراد قرار دهد. از طرف دیگر، آموزشهای ترویجی باید استعدادها و تفاوت‌های فردی را رعایت کند و بر اساس آنها هر فرد را برای کسب مهارت‌ها و حرفه‌هایی تربیت کند تا در کل جریان آموزش به ارتباط افراد با اجتماع و با طبیعت و تأثیر آنها بر یکدیگر توجه داشته باشد. بنابراین، ارائه آموزش به کشاورزان با در نظر داشتن چهار اصل این مکتب می‌تواند علاوه بر بهبود دانش فنی و وضعیت زندگی آنان، باعث دسترسی آنها به خوشبختی و کمال مطلوب باشد.

د) هدف آراء فارابی

هدف از تعلیم و تربیت بر اساس دیدگاه فارابی، ساختن یک شخصیت معتدل در انسان است که قوه عاقله و ناطقه وی بر دیگر قوای او حاکمیت داشته باشد. اهداف تعلیم و تربیت در بینش فارابی کاملاً اجتماعی است. در این دیدگاه به رشد تخصصها، مهارتها، مسائل اجتماعی و اقتصادی توجه خاصی می‌شود و کمال نهایی را وصل به حق

می‌داند (۴۱). هدف آموزشهای ترویجی بر اساس این دیدگاه نیز، هدایت و ارشاد کشاورزان و روستاییان بوسیله مروجین و کارشناسان خیره و اهل فن برای کسب تخصص و مهارتهای لازم می‌باشد که سرانجام سبب بهبود و ارتقاء امورات فنی و سطح زندگی آنها و نهایتاً کمال نهایی در آخرت شود.

ه) برنامه‌ریزی آراء فارابی

چنانچه سازمانهای ترویج بخواهند به توسعه انسانی مورد نظر مکتب فارابی دسترسی پیدا کنند باید کمال مطلوبی را که لازم است کشاورزان از لحاظ عقلی و فنی به آن برسند، تعریف کنند. در این کمال مطلوب یا مدینه فاضله علاوه بر مسائل فنی، باید رشد عقلانی و مشارکت گروهی کشاورزان نیز مد نظر قرار گیرد.

و) اجرای آراء فارابی

فارابی معتقد است که انسان دارای استعدادهایی است که می‌تواند او را به سوی سعادت و کمال نهایی بکشاند. برای تحقق این منظور باید استعدادهای انسانی پرورش پیدا کنند. به عبارت دیگر، به صرف اینکه آدمی دارای فطرت کمال‌جویی است نمی‌تواند از تعلیم و تربیت بی‌نیاز باشد؛ زیرا در این صورت استعدادهای انسانی هرگز شکوفا نمی‌شوند (۴۲). فارابی با پیروی از ارسطو و همانند بسیاری از صاحب‌نظران در تعلیم و تربیت اسلامی معتقد است که اخلاق اساساً با عادت و تمرین شکل می‌گیرد (۴۳)، بنابراین، آموزشهای ترویجی باید با استفاده از روش تعقل و تفکر و روش بحث و مناظره اجرا شود.

ز) منابع مورد نیاز آراء فارابی

برای اجرای آموزش بر اساس دیدگاه فارابی، امکانات و نهادهای مورد نیاز و همچنین فرصت کافی برای ملکه کردن عادات، تخصصها و مهارتهای مطلوب در کشاورزان ضروری می‌باشد. با توجه به اینکه اساس این دیدگاه به پرورش مهارتها و تخصصهای مطلوب در فراگیران است، وجود مروجین و آموزشگران توانا برای ایجاد انگیزه در کشاورزان ضروری می‌باشد.

ح) مخاطبان آراء فارابی

مخاطبان سازمانهای ترویجی که برای دسترسی به توسعه انسانی مورد نظر مکتب فارابی حرکت می‌کنند، کشاورزان و خانواده آنها و تمام روستاییان می‌باشند.

جدول ۳: تحقق توسعه انسانی براساس مکاتب فلسفی به کمک رهیافت مهباسازی

سنجش موفقیت	مخاطبان	منابع مورد نیاز	اجرا	برنامه‌ریزی	هدف	پیش فرض	انتظار از آموزش	فلسفه مرتبط با ابعاد وجودی انسان	مکتب و آراء
اندازه‌گیری توانایی افراد در حل مسائل افزایش کارایی اجتماعی آنان از طریق مطالعه رفتار افراد با دیگران	عامة روستاییان	وجود آموزشگرایان یا توانایی طرح پرسش و نقد و بررسی راه‌حلهای وجود امکانات و فرصت لازم برای مشارکت مدیران	استفاده از الگویی آموزش تفکر انتقادی	رهنمودها و شیوه‌های آموزشی که بتوانند برای مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی راه حل ایجاد کنند. تنظیم و اجرا گردد.	استفاده از تجربه در یادگیری ایجاد یک فرصت یادگیری به فراگیری از کشف پاسخ در پرسش: اول انتخاب روش انجام کار از بین روشهای مختلف. دوم به کمک روشهای مختلف یادگیری باشند.	استفاده از تجربه در یادگیری و کمک به فراگیری از کشف پاسخ در پرسش: اول انتخاب روش انجام کار از بین روشهای مختلف. دوم به کمک روشهای مختلف یادگیری باشند.	در آموزشها نقش تجربه در روند یادگیری تاکید می‌شود و به تجربه کردن فراگیران در طول یادگیری توجه ویژه می‌شود.	اولویت دادن به واقعیت‌ها و محسوسات	رالیسیسم
اندازه‌گیری میزان اختیار افراد برای همکاری با هم، رعایت تفاوت‌های فردی، آماده کردن افراد برای حرفه‌ها و کسب فضائل فنی و معنوی	کشاوریان و روستاییان	علاقه روستاییان به موضوعات و مسائل آموزشی و مشارکت در تصمیم‌گیری امور	استفاده از روش یا فرایند حل مسئله، و روشهای مشارکتی	یجاد یک فرصت یادگیری بر اساس الگوی یادگیری انتقادی	برای حل مسائل باید روش علمی استفاده کرد و بصورت فراگیران از روش علم و وسعت بخشید فراگیری روش انتخاب موضوع از انتخاب موضوع بهتر است.	آموزش و یادگیری باید بر پایه فرایند بازاری علمی تجارب باشد.	آزمون ایده‌ها و آندیشه‌ها در طریق واقعی و دنیای واقعی	شکلی گیری شخصیت از طریق تجربه	پراگماتیسم
ارزانی آگاهی و ایجاد علاقه در میان مردم و مسئولین افزایش میزان حفظ طبیعت و کاهش میزان تخریب آن	روستاییان، کشاوریان و عامه مردم	حماسه‌های ساده و مبتنی از طرف سازمانهای دولتی و غیردولتی. افراد آگاه و آشنا به محیط زیست و رسانه‌های ارتباط جمعی	روش یادگیری تجربی و روش مطالعه طبیعت	آموزشها باید بر مبنای تجربه، تعامل فرد با محیط و مواجهه با مسائل و تجربه اندوزی نماید.	شناخت امکانات و راه‌حلهای است که می‌تواند مخاطبان را در حفظ و نگهداری طبیعت و چالش با مشکلات موجود در آن یاری نماید.	بسیاری از جوانان شناخت کافی از محیط زیست و مشکلات محیط را ندارند و یا اینکه محضات را ناچیز می‌شمرند. به همین دلیل باید اهمیت ارزش طبیعت برای آنها شناخته شود تا سهم مهمی را در نگهداری از آن بر عهده گیرند.	استفاده از طبیعت در فرایند یادگیری	اولویت دادن به طبیعت	فاتورالسیسم
اندازه‌گیری توانایی افراد در حل مسائل افزایش کارایی اجتماعی آنان از طریق مطالعه رفتار افراد با دیگران	کشاوریان و روستاییان بویژه کشاوریان	علاقه روستاییان بویژه کشاوریان به موضوعات و مسائل آموزشی و مشارکت در تصمیم‌گیری امور	مشارکتی	آموزشها باید بر مبنای تجربه، تعامل فرد با محیط و مواجهه با مسائل و تجربه اندوزی نماید.	هدایت افراد به وسیله آموزشگران (مروچین). برای رسیدن به سعادت و کمال در امور زندگی و فنی و همچنین در آخرت است.	انسان با کمک قوه نظری، علوم و دانشها را فرا می‌گیرد و بوسیله قوه عملی آنچه را که باید به کار بدهد و عمل و رفتار اهمیت خاصی در شکوفایی و رشد عقلانی انسان دارد.	تعلیم و تربیت	رسیدن به کمال	فارالیسی
اندازه‌گیری میزان اختیار افراد در حل مسائل افزایش کارایی اجتماعی آنان از طریق مطالعه رفتار افراد با دیگران	عامة روستاییان	وجود آموزشگرایان یا توانایی طرح پرسش و نقد و بررسی راه‌حلهای وجود امکانات و فرصت لازم برای مشارکت مدیران	استفاده از الگویی آموزش تفکر انتقادی	رهنمودها و شیوه‌های آموزشی که بتوانند برای مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی راه حل ایجاد کنند. تنظیم و اجرا گردد.	انتخاب آن دسته روشهای یادگیری که فراگیر را در کشف پدیده‌های جامعه خود و پیشرفت و اصلاح آنها یاری دهند و در نهایت آنان را در حل مشکلات مربوط به پدیده‌ها کمک کنند.	آموزشها باید صرفاً به مسائل فنی توجه داشته و در قبال تعهد و تکالیف اجتماعی مسئولیتی نداشته باشد. برنامه‌های آموزشی ترویج علاوه بر بهبود سطح زندگی مردم باید برای بهبود وضعیت فرهنگی و اجتماعی آنان نیز برنامه داشته باشد.	شکلی گیری مداوم	اصلاح نظام اجتماعی	کنفوسیوس
اندازه‌گیری میزان اختیار افراد در حل مسائل افزایش کارایی اجتماعی آنان از طریق مطالعه رفتار افراد با دیگران	عامة روستاییان بویژه کشاوریان	علاقه روستاییان بویژه کشاوریان به موضوعات و مسائل آموزشی و مشارکت در تصمیم‌گیری امور	مشارکتی	آموزشها باید بر مبنای تجربه، تعامل فرد با محیط و مواجهه با مسائل و تجربه اندوزی نماید.	انسان موجودی آزاد و انتخابگر است و با اختیار می‌تواند راه خویش را انتخاب کند. بنابراین باید زمینه‌های انتخاب را برای کشاوریان فراهم کرد.	در آموزشها به کشاوریان و روستاییان به چشم افراد ناآگاه نگاه نشود و کشاوریان در تمام مراحل آموزش باید حق اظهار نظر، انتخاب و اصلاح داشته باشند.	به فعلیت رساندن پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک	انسان آزاد و انتخابگر	زیشت

رهیافت مهباسازی شامل اجزاء مشخص پیش فرض، هدف، برنامه ریزی، اجرا، منابع مورد نیاز، مخاطبان و معیارهای سنجش موفقیت می باشد.

ط (معیار سنجش موفقیت

معیارهای سازمانهای ترویجی که بر اساس این دیدگاه فعالیت می کنند میزان مهارتها و تخصصهایی است که کشاورزان از آموزشهای اجرا شده کسب می کنند. همچنین آمادگی کشاورزان برای همکاری با هم، آماده کردن کشاورزان برای حرفه خود و نهایتاً تحقق فضائل فنی و معنوی در کشاورزان و رشد عقلانی آنها معیار سنجش خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

از جمله راههای دستیابی به توسعه همه جانبه، همانا توسعه انسانی در جامعه است تا قابلیتها و تواناییهای افراد به گونه ای رشد یابند که زندگی آنان از خلاقیت و رضایت سرشار شود. چنین مفهومی انسان را در مرکز توسعه قرار می دهد. هدف این مقاله آن است تا ضمن بررسی رویافتهای موجود ترویج به این پرسش پاسخ دهد که «آیا ترویج به کمک رویافتهای رایج خود می تواند به توسعه انسانی مورد نظر مکاتب فلسفی دست یابد؟» اگر پاسخ منفی است، چه اقدامی باید به عمل آورد؟

با بررسی رویافتهای هشتگانه ترویج شامل رهیافت عمومی (متعارف)، تخصصی کالا، آموزش و دیدار، مشارکتی، توسعه نظامهای زراعی، تسهیم هزینه و نهاد آموزشی مشخص گردید که هدف در همه رویافتهای مذکور کم و بیش ترغیب افزایش مطلوب تولیدات کشاورزی بوده که برای دستیابی به آن، فعالیتهای ترویجی عموماً بدنبال انتقال فن آوریها از طریق اشاعه آنها بوده است. از طرف دیگر، در مواردی نیز که فعالیتهای ترویجی هدفهای والاتری داشته اند با سوگیریهایی سنی، جنسی و یا منطقه ای مواجه شده و به تبعیضهای موجود دامن زده اند و بر برآوردن انتظاراتی نظیر ایجاد «شناخت»، «تقویت شناخت هنگام انتخاب و تصمیم گیری» و یا «شناختن طبیعت و مدارا کردن با آن» هرگز تأکید نداشته اند. انتظاراتی نظیر توسعه انسانی در اهداف رهیافتهای ترویجی مذکور مشاهده نمی شود و لذا به خصوصیات توسعه انسانی مورد نظر آراء و مکاتب فلسفی و پرورش آنها در افراد جامعه نپرداخته اند.

اصولاً ترویج به لزوم چنین خصوصیات اشرف نداشته و راهکارهای تحقق آنها در تشکیلات ستادی و میدانی سازمانهای ترویجی وجود نداشته و ملزومات تحقق چنین راهکارهایی نیز در دسترس ترویج نمی باشد. بنابراین، رهیافت های ترویجی نیازمند بازنگری عمیق و همه جانبه هستند. برای رفع معضلات این رهیافتهای، به نظر می رسد که رهیافت مهباسازی ترویج بتواند به عنوان یک رهیافت مکمل برای تحقق معیارهای مورد نظر توسعه انسانی مکاتب فلسفی به کار گرفته شود. البته این نکته تبیین گردید که مهباسازی بر اساس گذشته نبوده، زیرا در این صورت چندان تشویق کننده نخواهد بود. همچنین مهباسازی به معنای پیش بینی نیست؛ بلکه به معنای آماده شدن برای وقایع متعدد است. در رابطه با موضوع مورد بحث این مقاله، رهیافت مهباسازی ترویج برای آماده سازی سازمانهای ترویجی به منظور تجدید نظر روشهای موجود و بکارگیری روشهای جدید برای دستیابی به توسعه انسانی مورد نظر مکاتب فلسفی، تعریف می شود.

رهیافت مهباسازی شامل اجزاء مشخص پیش فرض، هدف، برنامه ریزی، اجرا، منابع مورد نیاز، مخاطبان و معیارهای سنجش موفقیت می باشد. برای دسترسی به توسعه انسانی مورد نظر مکاتب و آراء فلسفی پراگماتیسم، رئالیسم، ناتورالیسم، فارابی، کنفوسیوس و زرتشت توضیحات لازم ارائه شد و از بین شش مکتب و آراء فلسفی فوق، چگونگی تحقق توسعه انسانی طبق دو مکتب ناتورالیسم و فارابی با کمک رهیافت مهباسازی ترویج به طور کامل تشریح شدند.

برای تحقق توسعه انسانی بر اساس مکتب ناتورالیسم به کمک رهیافت مهباسازی، پیش فرض این است که در اکثر جوامع، شناخت کافی از طبیعت انسان و همچنین محیط زیست و رابطه بین این دو وجود ندارد و یا اینکه این نوع شناخت، کم اهمیت تلقی می شود لذا باید اهمیت و ارزش طبیعت (طبیعت انسان و محیط زیست) برای افراد جامعه شناخته شود و توجه به سه عنصر انسان، طبیعت و رابطه بین آنها در دستور کار برنامه های آموزشی ترویج قرار گیرد. در این صورت هدف، شناخت امکانات و راه حلهایی است که می توانند مخاطبان را در حفظ و نگهداری محیط زیست و جانش با مشکلات موجود یاری نمایند. برنامه ریزی نیز باید بر اساس نیازهای فراگیران که با مشارکت خود آنها تعیین می شود، انجام گیرد و با استفاده از روش یادگیری تجربی، روش مطالعه طبیعت اجرا شود. برای تحقق توسعه انسانی بر اساس مکتب ناتورالیسم

تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی عبارت از «هدایت فرد بوسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال در این دنیا و کمال نهایی در آخرت» است

به حمایتهای مادی و معنوی سازمانهای دولتی و غیردولتی، افراد آگاه و آشنا به محیط زیست و رسانه های ارتباط جمعی احتیاج بوده و مخاطبین آنها روستاییان، کشاورزان و عامه مردم می باشند. میزان موفقیت توسعه انسانی بر اساس این مکتب با اندازه گیری افزایش آگاهی آحاد مردم نسبت به طبیعت، افزایش علاقه آنان به طبیعت، میزان توجه به رابطه بین انسان با طبیعت، افزایش سرمایه گذاری برای حفظ محیط زیست و کاهش میزان تخریب آن، سنجیده می شود.

برای تحقق توسعه انسانی بر اساس آراء فارابی به کمک رهیافت مهباسازی، پیش فرض این است که علاوه بر عقل، عمل و رفتار نیز اهمیت خاصی در شکوفایی و رشد عقلانی بشر دارد که برای دسترسی به آن چهار اصل تعلیم و تربیت باید در آموزشها مورد توجه قرار گیرند: اجتماعی بودن تعلیم و تربیت، رعایت تفاوت های فردی، آماده کردن افراد برای حرفه ها و تأثیر اجتماع بر آموزش. بر اساس رهیافت مهباسازی بر اساس آراء فارابی هدف، هدایت و ارشاد کشاورزان و روستاییان بوسیله مروجین و کارشناسان خبره و اهل فن برای کسب تخصص و مهارتهای مورد نیاز است که بر بهبود و ارتقاء امور فنی و سطح زندگی آنها و نهایتاً کمال نهایی در آخرت منجر می شود. در این رابطه برای دسترسی به کمال مطلوبی که کشاورزان از لحاظ عقلی و فنی باید به آن برسند برنامه ریزی می شود. برای اجرای آموزش می توان از روشهای تعقل و تفکر و بحث و مناظره استفاده کرد که امکانات و نهادهای مورد نیاز، فرصت کافی و وجود مروجین و آموزشگران توانا باید فراهم آید. مخاطبان این آموزشها کشاورزان و خانواده آنها و همچنین عموم روستاییان می باشند. سنجش موفقیت سازمانهای ترویجی که بر اساس این آراء، فعالیت می کنند، میزان مهارتها و تخصصهایی است که کشاورزان از آموزشهای اجرا شده کسب کرده، میزان آمادگی کشاورزان برای همکاری با هم، آماده کردن کشاورزان برای حرفه خود و نهایتاً تحقق فضائل فنی و معنوی در کشاورزان و رشد عقلانی

to change the world. Manna. Vol. 8, No 4.
 18- Hyde, K and R. T. Prinsley (1993). Extension for twenty-first century and R & D cooperation perspective. In: The Australia-Pacific Extension Conference. October 12-14 PP: 57-64 Queensland, Australia.
 19- Mckenzie, R. J.; R. G. Pacham and A.M. Wilson (1992). Changing organisational culture, is education the answer. In : R. D. Macadam and A.M. Wilson (Eds). Proceeding : Future Directions for Agricultural Education, Extension and Training, PP : 29-35 hawkesbury australia.
 20- patton, M. Q. (1993a), Future directions for extension, In: The Australia-pacific Extension conference. October, 12-14 PP : 12-14 Queensland, Australia.
 21 -Patton, M. Q. (1993b) World trends and challenges in extension. In: The Australia-Pacific Extension conferenced. October 12-14 PP : 12-14 Quesland, Australia.
 22- Roling, N. (1998). Extension Science "Information Systems in Agricultural Development. Cambridge University Press.
 23- Roling, N. (1982). Alternative appoches in extension. In: Jones, G. E and Rolls, M. (eds), Progress in Rural Extension and Community Development: 1: 87-115. Chichester, John willes.
 24- Russell, D. (1991a). Social ecology in action, its rational and scope in education and research. Studies In Continuing Education. Vol. 13, NO. 2, PP: 126-138.
 25- Russell, D. (1991b). The climate change-social change relationship. Paper presented at the International Conference on Climate Change : Implications for Natural Resourees Conservation. University of Western Sydney-Hawkesbury 25-27, November 1991.
 26- Stead, V. and M. Lee (1996). Inter-Cultural perspectives on HRD. In Stewart. J and J. McGoldrick (Eds). Human Resource Development. PP : 47-70 London, Pitman.
 27- Williams, D. (1992). From rural crisis to rural development : a more integrated approach. In R. D. Macadam and A. M. Wilson (Eds), Proceeding : Future Directions for Agricultural Education, Extension and Training. PP : 209-212.

۱- آکسین، جورج (۱۳۷۰). رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویجی. ترجمه اسماعیل شهیازی. تهران، انتشارات سازمان ترویج کشاورزی.
 ۲- پروند، محمدحسین (۱۳۶۹). مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی. تهران، انتشارات صحیفه.
 ۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴). فلسفه تعلیم و تربیت (جلد اول). تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
 ۴- زمانی پور، اسداله (۱۳۷۳). ترویج کشاورزی در فرایند توسعه. بیرجند، انتشار مؤلف.
 ۵- سازمان ملل متحد (۱۹۹۴). گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴. ترجمه قدرت... معمارزاده، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
 ۶- شاهولی، منصور و منفرد، نوذر (۱۳۷۹). واکاوی فلسفی ترویج برای تبیین توسعه انسانی (۱). در دست چاپ در ماهنامه جهاد.
 ۷- شاهولی، منصور و آزادی، حسین (۱۳۷۷). واکاوی مکاتب فلسفی برای تبیین توسعه انسانی. تهران، فصلنامه روستا و توسعه. سال ۲، شماره ۴، ص ۵۶-۲۱.
 ۸- شاهولی، منصور (۱۳۷۵). مأموریت‌های آینده ترویج. آگاهی‌نامه انجمن علمی ترویج و آموزش کشاورزی. شماره ۳.
 ۹- شاهولی منصور (۱۳۷۴). مهیاسازی برای آینده، رهیافت آتی ترویج. ماهنامه جهاد، سال یازدهم، شماره ۱۷۳-۱۷۲، صص ۷-۵.
 ۱۰- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶). فلسفه آموزش و پرورش. تهران، انتشارات امیرکبیر.
 ۱۱- گریفین، ک و مک کنلی، ت (۱۳۷۵). تحقق استراتژی توسعه انسانی. ترجمه غلامرضا خواجه پور. تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
 ۱۲- محسینان راد، مهدی (۱۳۷۴). ارتباط جمعی و توسعه روستایی: خلاصه گزارش یک تحقیق پیرامون نقش مجلات روستایی در ایران. تهران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی (سابق).
 ۱۳- مؤسسه مکاتباتی اسلام‌شناسی (۱۳۶۱ هـ). انسان کامل از دیدگاه فارابی، عرفا، مولوی. جلد پنجم
 ۱۴- یوسفی نژاد، مجید (۱۳۷۸). بررسی شناخت و نحوه بکارگیری رهیافت مهیاسازی در مدیریت سازمان منابع طبیعی. پایان نامه کارشناسی ارشد بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز، ۲۲۸ صفحه
 15- Antholt, C. H. (1993). Agriculture extension in Asia Institutional modernization for the 21st century. In: the Australia Pacific Extension Conference. October, 12-14 PP: 357-360 Queensland Australia.
 16- Goulet, D. (1995) Development ethics : A guide to theory and Practice. New York: The Apex Press.
 17- Hills, S. B. (1992) Changing ourselves

یادداشتها

- ۱- سازمان ملل متحد، ۱۹۹۴
 ۲- محسینان راد، ۱۳۷۴
 ۳- زمانی پور، ۱۳۷۳
 ۴- گریفین و مک کنلی، ۱۳۷۵
 5- Goulet, 1995
 6- Stead and lee, 1996
 ۷- آکسین، ۱۳۷۰
 ۸- شاهولی و آزادی، ۱۳۷۷
 ۹- شاهولی و منفرد، ۱۳۷۹
 10- Antholt, 1993
 ۱۱- شاهولی و آزادی، ۱۳۷۷
 ۱۲- شاهولی، ۱۳۷۵
 13- Patton, 1993a
 ۱۴- شاهولی، ۱۳۷۴
 15- Patton, 1993a
 16- Patton, 1993b
 ۱۷- شاهولی، ۱۳۷۵
 18- Williams, 1992
 19- Hill, 1992
 20- Goulet, 1995
 ۲۱- یوسفی نژاد، ۱۳۷۸
 22- Hill, 1992
 23- Hyde and Prinsley, 1993
 ۲۴- پروند، ۱۳۶۹
 ۲۵- شعاری نژاد، ۱۳۷۶
 ۲۶- همان
 ۲۷- پروند، ۱۳۶۹
 28- Rusell, 1991a
 29- Rusell, 1991b
 ۳۰- شعاری نژاد، ۱۳۷۶
 ۳۱- همان
 ۳۲- زمانی پور، ۱۳۷۳
 ۳۳- همان
 34- Roling, 1998
 35- Roling, 1998b
 36- Mckenze etal, 1992
 ۳۷- مؤسسه مکاتباتی اسلام‌شناسی، ۱۳۶۱
 ۳۸- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴
 ۳۹- مؤسسه مکاتباتی اسلام‌شناسی، ۱۳۶۱
 ۴۰- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴
 ۴۱- همان
 ۴۲- مؤسسه مکاتباتی اسلام‌شناسی، ۱۳۶۱
 ۴۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴